

چالش‌های پیش‌روی ارزشیابی مبتنی بر شایستگی

مقدمه

مبنا قرار دادن گزاره‌های اسناد بالادستی به عنوان اسناد پشتیبان هر تغییر بنیادی، ضروری است. در سال‌های اخیر، اسناد بالادستی و تحولی درخصوص آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، توسعه و کیفیت بخشی به آن توسط نهادهای ذی‌ربط مورد تأکید قرار گرفته است. در سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و



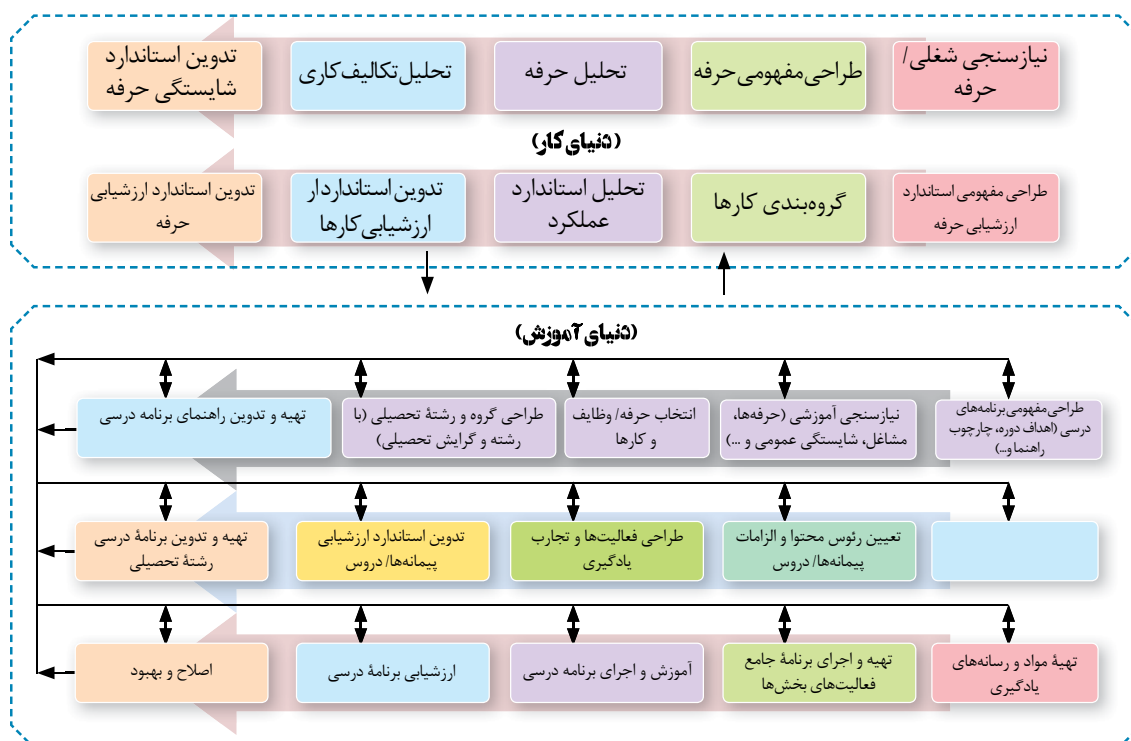
کلیدواژه‌ها:

شایستگی فنی و غیرفنی،
ستاد وصف، برنامه درسی
ملی، نظام صلاحیت
حرفه‌ای

جامع علمی کشور تنظیم شد. همچنین به منظور ارتقای سطح شایستگی نیروی کار کشور در مقایسه با سطح استاندارد جهانی، به استانداردهای بین‌المللی و توصیه‌نامه‌های مربوطه نیز توجه شده است. حاصل این پژوهش الگویی بود برای برنامه‌ریزی درسی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، تعیین سطوح شایستگی و تغییر رویکرد از تحلیل شغل به تحلیل حرفه، توجه به ویژگی‌های شغل و شاغل، توجه به نظام صلاحیت حرفه‌ای ملی و تلفیق شایستگی‌های مشترک و غیرفنی در تدوین برنامه‌ها، از ویژگی‌های الگوی مذکور است. براساس این الگو، فرایند برنامه‌ریزی درسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی در دو بخش دنیای کار و دنیای آموزش طراحی شد. بخش دنیای کار شامل ۱۰ مرحله و بخش دنیای آموزش شامل ۱۵ مرحله است. نوع ارتباط و تعامل هر مرحله با مراحل دیگر فرایند به صورت طولی و عرضی است. با این توضیح که طراحی و تدوین هر مرحله متأثر از اعمال موارد اصلاحی مربوط به نتایج اعتباربخشی آن مرحله یا مراحل دیگر است. پس از تدوین استانداردهای شایستگی حرفه براساس فرایند برنامه‌ریزی درسی، تدوین استانداردهای ارزشیابی حرفه‌ها مطابق با برنامه دفتر عملیاتی شد؛ با این توضیح که هر یک از واحدهای حرفه در سطح کارگر ماهر و کمک تکنیسین و تکنیسین شامل تعدادی شایستگی است که سنجش

برنامه درسی جمهوری اسلامی ایران ارزشیابی مبتنی بر شایستگی تأکید شده و استناد حداکثری به این اسناد در طراحی، تدوین و اجرای نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی با رویکرد شایستگی محور خود عاملی، برای ایجاد هماهنگی بین ذی‌نفعان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و فراهم‌کنندگان شرایط تحقق هدف‌های نظام آموزشی است.

مطالبات اسناد بالادستی، تغییرات فناوری و نیاز بازار کار داخل کشور، تغییر در استانداردها و همچنین توصیه‌های بین‌المللی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کار دانش را مکلف کرد تا براساس وظیفه قانونی خود، پس از سفارش و انجام پژوهش‌های بررسی و آسیب‌شناسی نظام سالی واحدی فنی و حرفه‌ای و کار دانش که از سال ۱۳۷۹ در هنرستان‌های کشور در حال اجراست، برای دستیابی به الگویی مناسب به طراحی و بازنگری برنامه‌های درسی اقدام کند. از این رو دفتر در سال ۱۳۹۰ طراحی پژوهشی با عنوان «طراحی و تدوین فرایند برنامه‌ریزی درسی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی» را سفارش داد. طرح پژوهشی مذکور براساس اسناد بالادستی، مانند سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، ماده‌های ۱۹ و ۲۱ قانون برنامه پنجم توسعه، سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش، برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران و نقشه



نمودار ۱. فرایند برنامه‌ریزی درسی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش

فرایند

ارزشیاب براساس معیارها و شاخص‌های تعیین شده در استاندارد شایستگی حرفه، شایستگی‌های افراد را در حرفه مورد سنجش قرار می‌دهد. از آنجا که فرایند سنجش امری کاملاً تخصصی است، لزوماً ارزشیاب می‌باید ضمن برخورداری از صلاحیت‌های لازم، به این شیوه از ارزشیابی اعتقاد لازم را نیز داشته باشد.

ارزشیاب می‌باید ضمن دارا بودن دانش تخصصی شایستگی‌های موضوع سنجش، دانش مربوط به فرایند ارزشیابی را دارا باشد. صلاحیت‌های حرفه‌ای ارزشیاب در جریان ارزشیابی این موارد را شامل می‌شود: شایستگی‌های فنی مورد نیاز بازار کار در خصوص موضوع قصد شده برای ارزشیابی؛ شایستگی‌های غیرفنی مورد نیاز بازار کار؛ ایمنی و بهداشت؛ مدیریت منابع؛ اخلاق حرفه‌ای در حرفه و رشته تحصیلی؛ شایستگی‌های مربوط به طراحی و اجرای ارزشیابی مبتنی بر شایستگی.

فرایند ارزشیابی مبتنی بر شایستگی از پیچیدگی‌هایی برخوردار است و دارا بودن صلاحیت تخصصی و شایستگی‌های آن زمانی کارآمد است که ارزشیاب از انگیزه و اعتقاد لازم برای اجرای فرایند ارزشیابی برخوردار باشد.

۳. تفاوت نظام‌های ارزشیابی

تفاوت نظام‌های ارزشیابی از سه منظر قابل بررسی است:

۱. **تفاوت درون رشته‌ای:** در این نوع از تفاوت، هنرجو در یک پایه، در نحوه ارزشیابی درس‌های شایستگی‌های فنی، شایستگی‌های مربوط به سایر درس‌ها، مانند شایستگی‌های عمومی و پایه، تفاوت مشاهده می‌کند.

۲. **تفاوت در دوره‌های متفاوت تحصیلی:**

یادگیری هنرجویان قبل از ورود به هنرستان در دوره اول متوسطه در مقایسه با دوره هنرستان با نوع دیگری از ارزشیابی مورد سنجش قرار می‌گیرد.

۳. **تفاوت در دستگاه‌های آموزشی:** در ادامه مسیر تحصیلی - حرفه‌ای هنرجویان در آموزش عالی در مقایسه با آموزش و پرورش تفاوت دیده می‌شود. فقدان انسجام و هماهنگی لازم در رابطه با هر یک از انواع تفاوت در نظام‌های آموزشی، دانش‌آموزان را دچار سردرگمی و افت عملکرد می‌سازد. مقایسه ویژگی‌ها و الزامات ارزشیابی مبتنی بر شایستگی

و ارزشیابی به منظور اثبات آن شایستگی‌ها انجام می‌شود. هر واحد شایستگی از استاندارد دنیای کار برای اثبات پیروی می‌کند و مجموعه‌ای از آن‌ها به صورت معنی‌دار صلاحیت حرفه‌ای در سطح‌های ۱، ۲ و ۳ را می‌سازد. استاندارد ارزشیابی حرفه سندی است که راهنمای سنجش، ارزشیابی و اثبات شایستگی در هر یک از سطرهاست.

مشارکت ذی‌نفعان به عنوان یک اصل در طراحی و تدوین استانداردهای ارزشیابی حرفه‌ها مورد توجه قرار گرفت و در مجموع از اطلاعات کلیه دستگاه‌ها و نهادهای متولی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای غیررسمی از جمله وزارت ارشاد، سازمان میراث فرهنگی، سازمان بنادر و کشتیرانی، صنایع دستی، جهاد و کشاورزی و... و شرکت‌های بزرگ و کوچک، بنگاه‌های اقتصادی، کارخانجات صنعتی و تولیدی و تجربیات بیش از ۴۰۰ نفر از خبرگان اهل فن در سطوح کارگر ماهر، تکنسین و متخصصین حرفه‌ای در حرفه‌های گوناگون، در جلسات تدوین استانداردها استفاده شد. تدوین استانداردهای ارزشیابی برای رشته‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با مشارکت ذی‌نفعان دنیای کار از نقاط قوت نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است.

نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در آموزش فنی و حرفه‌ای، علی‌رغم دارا بودن ویژگی‌های قوت و فرصت‌های قابل اعتنا، با بعضی از چالش‌ها مواجه است که در صورت توجه و رفع موانع، به فرصت تبدیل می‌شوند. در غیر این صورت، تهدیدهای بالقوه‌ای در اجرا و کیفیت‌بخشی و توسعه ارزشیابی مبتنی بر شایستگی به حساب می‌آید. در ادامه به برخی از چالش‌های مهم پیش‌رو اشاره می‌شود.

۱. اجرای مطلوب آموزش مبتنی بر شایستگی

استانداردهای عملکرد و ملاک‌های ارزشیابی براساس استاندارد ارزشیابی حرفه تنظیم و تدوین می‌شوند. برای سنجش شایستگی فرد، ارزشیاب باید از کسب شایستگی‌های فرد برابر استاندارد شایستگی حرفه اطمینان یابد. حال آنکه اجرا و آموزش صحیح استاندارد شایستگی حرفه، خود متکی به عناصر دیگری همچون کیفیت و کمیت فضا، تجهیزات، مواد آموزشی، و صلاحیت حرفه‌ای آموزشگر است.

۲. صلاحیت‌های ارزیابان و اعتقاد به



برای رتبه‌های برتر کنکور و در نهایت دستیابی به رشته‌های دانشگاهی، ممکن است اعتبار ارزشیابی پیشرفت تحصیلی با رویکرد شایستگی تهدید شود. تأکید بر تأثیر سوابق تحصیلی، خصوصاً بر درس‌هایی که مبنای ارزشیابی آن‌ها شایستگی است و جایگزینی آن با آزمون سراسری در رشته‌های پیوسته‌ کاردانی، از راه‌های برونرفت از این مشکل محسوب می‌شود.

۵. آموزش و ارزشیابی توسط یک نهاد

در نظام‌های آموزش مبتنی بر شایستگی معمولاً ارزشیابی جدا از نهاد آموزشگر و توسط نهادی مستقل صورت می‌گیرد تا صحت و روایی نتایج ارزشیابی از اعتبار بیشتری برخوردار باشد. در این نظام‌ها گواهی‌نامه‌ها و مدارک صلاحیت حرفه‌ای نیز توسط نهادهای مستقل که وظیفه ارزشیابی را برعهده دارند، صادر می‌شود.

امکان عدم تحقق آموزش استانداردهای عملکرد و یا بخشی از آن و به تبع آن، اجرای فرایند ارزشیابی ناقص توسط آموزشگر و مواجهه با انواع محدودیت‌های مرتبط با ارزشیابی توسط مجریان،

با سایر مدل‌های ارزشیابی، نشان از آن دارد که برخی از شاخص‌های مدل‌های ارزشیابی کاملاً در تضاد با مدل دیگرند. لذا دوگانگی در نحوه ارزشیابی پیشرفت تحصیلی می‌تواند به عنوان تهدیدی در اجرای ارزشیابی مبتنی بر شایستگی قلمداد شود. تدوین و اجرای زیرنظام ارزشیابی در سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش در این چالش نقش اساسی را ایفا می‌کند.

۴. آزمون سراسری برای ادامه تحصیل در آموزش عالی

همواره تأثیرگذاری کنکور بر نحوه اجرای برنامه‌های درسی مصوب و مورد نظر آموزش و پرورش، به خصوص شیوه ارزشیابی از درس‌ها، محسوس بوده است. ارزشیابی از طریق کنکور، بر حفظیات دانش آموزان متمرکز است. به خصوص، کنکور در شیوه ارزشیابی درس کارگاهی ناتوان است و از سه حیطة دانش، مهارت و نگرش فقط ارزشیابی از دانش داوطلبان را نشانه می‌رود. در حالی که این موضوع در تعارض با ارزشیابی مبتنی بر شایستگی است. به دلیل اهمیت و وجود تقاضای اجتماعی

نگاه تقلیل گرایانه به ارزشیابی مبتنی بر شایستگی را در پی دارد.

۶. فقدان الگوی اشاعه

منظور از اشاعه فرایند ارزشیابی، اتخاذ تدابیری برای آگاه‌سازی شرکای حوزه ارزشیابی به منظور ایجاد وفای و هماهنگی هرچه بیشتر ذی‌نفعان در پذیرش و عملیاتی کردن نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی است. سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کلان نظام‌های آموزشی، پس از حصول اطمینان از اعتبار درونی برنامه‌های طرح‌ریزی شده، به دنبال تبیین آن در بدنه آموزشی هستند و این موضوع به صورت از بالا به پایین و از ستاد به صف انجام می‌پذیرد.

از عوامل عدم پذیرش و وجود ناهماهنگی بین مجریان و افرادی که در فرایند ارزشیابی مورد سنجش قرار می‌گیرند، نبود یک برنامه اشاعه منسجم و مناسب است. به منظور اشاعه ارزشیابی مبتنی بر شایستگی می‌توان از موارد زیر بهره گرفت:

- برگزاری دوره‌های آموزشی برای آموزش و توجیه مجریان آموزش و ارزشیابی مبتنی بر شایستگی از جمله هنرآموزان، مدیران و کارشناسان فنی و حرفه‌ای؛
- تولید فیلم آموزشی و توزیع آن در هنرستان‌ها؛
- تولید فیلم آموزشی و پخش در سیما با هدف اطلاع و آشنایی جامعه و والدین با رویکردهای نوین ارزشیابی؛

- برگزاری نشست‌های هم‌اندیشی در ارتباط با ارزشیابی مبتنی بر شایستگی و نقد آن؛
- ارزشیابی از نحوه اجرای فرایند و اشاعه نتایج آن؛
- تعریف پایان‌نامه‌های ارشد و دکترا با موضوع ارزشیابی مبتنی بر شایستگی.

۷. تصمیم‌گیری در مورد ابزارهای ارزشیابی

در ارزشیابی سنتی از روش‌ها و ابزارهایی استفاده می‌شود که عمدتاً با محفوظات دانش‌آموزان سروکار

دارند. اما ارزشیابی مبتنی بر شایستگی زمانی موفق است که اندازه‌گیری عملکرد به صورت مناسب و فاقد هرگونه انفعال و کاستی انجام شود. به عبارت دیگر، ارزشیابی هنگامی معتبر است که آنچه را در محدوده اندازه‌گیری آن است، به شکل درست و مناسب اندازه‌گیری کند.

شاید آزمونگر در فرایند آموزش برای شناخت بیشتر از «آمایه‌های یادگیری» هنرجویان و با بررسی پیشرفت بخشی از حیطه‌های یادگیری، به ارزشیابی تشخیصی و فرایندی به صورت کتبی اقدام کند. اما در مجموع، به خصوص در ارزشیابی که به کسب شایستگی (صلاحیت) توسط فراگیرنده منجر می‌شود، تفکیک ابزارهای ارزشیابی برای حصول اطمینان از دستیابی به یادگیری ترکیبی از حیطه‌های متفاوت (دانش، مهارت و نگرش) مناسب نیست و خود عامل بازدارنده‌ای برای دستیابی به یادگیری مبتنی بر شایستگی می‌شود.

۸. انواع سنجش در آموزش براساس شایستگی

۱. مشاهده عملکرد: اثبات شایستگی بر عملکرد براساس فرایند و رویه کاری متمرکز است.

۲. آموزش مهارت: اثبات شایستگی براساس نمونه کار، نمونه مهارت یا انجام یک پروژه خواهد بود.

۳. شبیه‌سازها: اثبات شایستگی براساس ارائه محصول نهایی یا مشاهده فرایند است.

۴. آزمون کتبی عملکردی: اثبات شایستگی از طریق انجام تکالیف کاری دانشی (سطح‌های بالای مهارت‌های شناختی) را نشانه می‌رود.

کافی نبودن زمان آموزش، مهیا نبودن تجهیزات، کمبود مواد مصرفی، نبود نیروی متخصص در آموزش شایستگی، نبود ارزشیاب مطلع از شیوه‌های ارزشیابی و متخصص با حوزه حرفه‌ای و دشواری و پیچیدگی‌های طراحی ابزارهای ارزشیابی مبتنی بر شایستگی، از عواملی هستند که می‌توانند در انتخاب ابزار مناسب در اجرای ارزشیابی مبتنی بر شایستگی مؤثر باشند.

۹. درک مشترک از ارزشیابی مبتنی بر شایستگی

زمانی اجرای برنامه با موفقیت همراه است که شاخص‌های دروندادی، فرایندی و بروندادی آن



۱۱. استفاده از اجزای بسته آموزشی

تاکنون تألیف و تولید اجزای بسته آموزشی در نظام جدید آموزشی در شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش، به عنوان محتوای درسی برای تحقق آموزش مبتنی بر شایستگی، با چرخش اساسی همراه بوده است. در گذشته کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای به عنوان منابع آموزشی تألیف می‌شدند و هنرآموزان فعالیت‌های یادگیری را برحسب شرایط محیطی و تفاوت‌های فردی هنرجویان طراحی و اجرا می‌کردند، کتاب‌های درسی این فعالیت را پشتیبانی می‌کردند، و جریان یاددهی - یادگیری در مسیر محتوا از طریق هنرآموزان محقق می‌شد. در نظام جدید آموزشی، بسته آموزشی جانشین کتاب‌های اصلی شده است.

کتاب همراه هنرجو حاوی جدول‌ها، استانداردها، نقشه‌ها و رویه‌های عملیاتی است و هنرجویان هنگام کار و ارزشیابی از آن استفاده می‌کنند. کتاب راهنمای هنرآموز برای هر کتاب درسی به عنوان **هدایتگر** جریان آموزش ارائه شده است و دیگر نرم‌افزارها نیز در فضای یادگیری به تناسب مورد استفاده قرار می‌گیرند.

برنامه‌ریزان درسی استفاده از کتاب همراه هنرجو را در فرایند ارزشیابی توصیه کرده‌اند و انجام این کار در شیوه‌نامه ارزشیابی به صورت قانونی مجاز دانسته شده است. برخی ویژگی‌های کتاب همراه هنرجو عبارت‌اند از:

- کاهش اضطراب در ارزشیابی
- کاهش حجم سایر اجزای بسته آموزشی
- بهبود زمان یاددهی - یادگیری
- ایجاد فرصت برای پیوند نظر و عمل
- استانداردسازی و ایجاد زبان مشترک
- کمک به تحقق شایستگی یادگیری مادام العمر
- پیوند دادن دروس مختلف رشته
- کاربرد در دنیای واقعی کار

اما ویژگی مهم دیگر آن تسهیل سنجش و ارزشیابی از هدف‌های اصلی است. با وجود این کتاب می‌توان با استفاده از انواع روش‌ها و ابزارها، توانایی هنرجویان را در استفاده از شایستگی‌های پایه در موقعیت‌های متفاوت به صورت معناداری منعکس کرد و به آن‌ها در دستیابی به سطوح بالاتر شایستگی‌های فنی و غیرفنی یاری رساند. بنابراین استفاده از کتاب همراه هنرجو هنگام ارزشیابی توسط هنرجویان از عوامل تسهیل‌کننده ارزشیابی مبتنی بر شایستگی محسوب می‌شود.

به یک میزان تحقق یابند و لازمه این امر، جدا از دارا بودن زبان مشترک در تعریف آن برنامه و ملحقات آن، داشتن درک مشترک و دقیق از چیستی، چرایی و چگونگی آن است. در ارتباط با ارزشیابی مبتنی بر شایستگی نیز این موضوع مصداق دارد. به عبارت دیگر، از معیارهای موفقیت ارزشیابی مبتنی بر شایستگی، درک مشترک از تعریف و کارکرد این نوع ارزشیابی در ستاد و صف، و بین طراحان، مجریان و هنرجویان و به طور کلی ذی‌نفعان آن است. برخی از موارد که درک مشترکشان برای ذی‌نفعان ارزشیابی مبتنی بر شایستگی ضرورت دارد، عبارت است از:

- صلاحیت حرفه‌ای و سطوح آن؛
- شایستگی؛
- شایستگی‌های فنی؛
- شایستگی‌های غیرفنی (محوری)؛
- استاندارد عملکرد؛
- ارزشیابی مبتنی بر شایستگی؛
- الزامات و اصول ارزشیابی مبتنی بر شایستگی.

۱۰. تصمیم‌گیری درباره نحوه ارزشیابی مجدد

در آموزش مبتنی بر شایستگی، با فرض اجرای آموزش مناسب و صحیح در همه ابعاد براساس استانداردهای عملکرد که شامل اجرای الزامات مربوط به آموزش مبتنی بر شایستگی است. تحقق شایستگی برای همه فراگیرندگان دور از انتظار نیست، بلکه شدنی است. گاه به دلایل گوناگون، از جمله حضور نداشتن هنرجو در ارزشیابی پایانی، ارزشیابی تکرار می‌شود. در این موارد باید دقت شود، ارزشیابی مرحله تکرار به لحاظ کیفی و کمی بدون هیچ‌گونه افتی اتفاق بیفتد.

نبود پشتیبانی لازم برای تکرار آزمون (مالی، تجهیزاتی، مواد مصرفی و...)، فقدان گزاره‌های قطعی در آیین‌نامه‌های مربوطه، نبود نیروی متخصص برای اجرای ارزشیابی، و فقدان اعتقاد لازم به شیوه ارزشیابی مبتنی بر شایستگی در اجرای آن، از جمله مواردی هستند که تکرار ارزشیابی مبتنی بر شایستگی را با چشم پوشی از استانداردهای مورد نظر همراه می‌کند و به طور کلی، تهدیدی جدی برای ارزشیابی مبتنی بر شایستگی محسوب می‌شود.